

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

سیامک بهاری

۱۷ جون ۲۰۱۵

دوازدهم جون روز مبارزه با کار کودکان

شانزده سال پیش، در ۱۹۹۹ با تلاش و پیگیری صدها فعال جنبش لغو کار کودکان، به ابتکار و تلاش مستمر (کابلاش ساتیراتی)، از فعالان برجسته لغو کار مزدی کودکان، راهپیمایی سراسری از پاکستان شروع شد و به ژنیو ختم شد و شانزده کودک به نمایندگی از سیصد کودکی که در این راهپیمایی هشتصد هزار کیلومتری شرکت کرده بودند در صحن علنی سازمان جهانی کار (آی ال او) با شعار دیگر استثمار بس است حضور یافتند و قطعنامه ای در لغو کارهای سخت و زیان آور برای کودکان به تصویب سازمان جهانی کار رساندند. این روز نتیجه تلاش به یاد ماندنی، ارزشمند و گرامی این مبارزان است. این دستاورد، حاصل تلاش تحسن برانگیز و غرور آفرین آنان است. حاصل کار هیچ دولتی نیست.

پدیده ای به نام کار کودکان در عصر ما، ریشه اش در کارمزدی است. هر جا سرمایه و سرمایه دار برایش میسر و ممکن باشد، مرز سنی کار مزدی را عقب می کشد و کودکان را هم به عنوان کارگران خردسال استثمار می کند. پدیده کار حرفه ئی کودکان، نسبت مستقیم با نابرابری و تبعیض اقتصادی در جامعه دارد. هر کجا کار کودک رایج است، بالای سرش یک حکومت دیکتاتوری وحشی ایستاده است. هر جا آزادی و رفاه نسبی در جامعه هست، کارمزدی کودکان کمتر و یا بسیار مخفی تر است.

جنگیدن برای متوقف کردن کار حرفه ئی کودکان بخشی جدا ناپذیر از جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی کارگری است. نمونه ای از تمدن و ارتقاء سطح آگاهی هر جامعه است.

چرا این مبارزه طولانی است؟ همانطور که مبارزه برای استثمار کشدار و طولانی می شود. حقیقتاً نظام سرمایه داری بیخودی به حیات خود ادامه می دهد. سالها پیش بشریت باید خود را از شرش خلاص می کرد. اما منطق سود، کار خودش را می کند. هر چه این مبارزه دیر فرجام تر باشد، لطمات و خساراتش به طور حیرت انگیزی بیشتر و بیشتر می شود. به اندازه اول ماه می هائی که با خواست لغو کارمزدی برگزار می شود، ۱۲ جون ها هم برگزار می شود.

مبارزه برای لغو کار کودکان در موقعیت اعتراضی بیشتری نسبت به قبل قرار دارد. لغو کار کودکان واقعاً همین حالا ممکن است. می توان این میدان را از سرمایه داری گرفت و کودکان را نجات داد!

کامنتی که در یکی از صفحات اینترننتی منتشر شده بود:

"چگونه لغو کار کودک همین امروز ممکن است؟ اگر همین امروز ممکن است پس چرا نمی رویم این کار کودک را لغو کنیم؟ لغو کار کودک همین امروز ممکن نیست. کار کودک در مناسبات نابرابر اقتصادی، اجتماعی - سیاسی جامعه

طبقاتی و به طور ویژه نظام سرمایه داری ریشه دارد. پس تا زمانی که این مناسبات به حیات خود ادامه می دهند، کار کودک نیز پایرجاست.

برای لغو کار کودک، باید برای برچیده شدن مناسبات سرمایه داری مبارزه کنیم تا زمانی که خانواده های کارگری با بیکاری، دستمزدهای پائین و عدم امنیت شغلی روبه رو هستند، چگونه می توان انتظار داشت که کودکان این خانواده ها به عرصه کار رانده نشوند. پس دوستان لغو کار کودک همین امروز ممکن نیست."

اولین نکته این است که این قبیل دوستان همه چیز را ثابت فرض می کنند و چون کار حرفه ئی کودک و نظام سرمایه داری لازم و ملزوم هم هستند پس پیش شرط یکی مسبب دیگری است. کجای جهان، کارگر استثمار نمی شود؟ پس چرا کار کودکان مثلاً در اروپای شمالی و کلاً جوامع مرفه، یا اصلاً بکلی لغو شده است و یا به مراتب کمتر از جوامع دیگر است؟ حتی نرخ بیکاری هم تأثیر مستقیم بر آن ندارد. مثلاً اگر شما در ناروی یا فنلاند کارتان را از دست بدهید، کودک شما مدرسه و کودکتان را از دست نمی دهد. اما همین اتفاق می تواند در ایران و بنگله دیش و هند منجر به پیوستن کل خانواده به بازار کار مزدی بشود. حتی نیازی به بیکاری نان آور خانواده نیست. اینقدر سطح دستمزد پائین است که اتوماتیک باقی خانواده را به بازار کار حرفه ئی می کشاند و یا بیشتر وابسته می کند. اینجا درجه رفاه جامعه تعیین کننده است.

سؤال این است که ثروت و امکانات برای متوقف کردن کار کودک در این جامعه موجود هست یا نیست؟! ایران را مثال بزنیم که شناخت بیشتری از آن داریم.

به کارگران و خانواده کارگری در باره کار مزدی و حرفه ئی کودکانشان چه می گوئیم؟ بدون تردید می گوئیم ثروت این جامعه اینقدر هست که هیچ کودکی مجبور به کار حرفه ئی نشود. آنوقت می روید سراغ بی توجهی و بی مبالاتی دولت و بودجه ای که برای رفاه کودکان باید اختصاص داده شود و نمی دهد.

می روید سراغ بودجه های حیرت آور برای امور امنیتی و انتظامی و نظامی و تروریستی و جیب های گشاد آیت الله های گردن کلفت و بریز و پاشها و ثروتهای غیر قابل باور ایادی حکومتی. وقتی چنین است. شما حق دارید که با اعتماد کامل بگوئید، ممنوعیت کار کودکان همین حالا ممکن است! علی رغم هیولای گرانی و خط فقر و مصایب بیشمار در جامعه. توقف کار کودکان همین حالا میسر است. به این دلیل که جامعه میزان تولید ثروتش دهها هزار برابر امکاناتی است که در اختیار دارد.

این برای توقف کل کار مزدی هم صادق است. نباید فراموش کرد که میدان کار حرفه ئی کودکان برای خود سرمایه دارای هم چندان قابل دفاع نیست. به همین دلیل به ظاهر، روی کاغذ هم که شده می پذیرد که کار کودک قانونی نیست! این را درجه پیشرفت و تمدن جامعه به سرمایه تحمیل می کند. کار کودکان ادامه می یابد اما نه قانونی و رسمی. حضور میلیونی کودکان خیابان هم به همین منوال است. سرمایه داری توجیه عملی برای آن ندارد. پس می شود به عقبش راند. باید هم همین کار را کرد.

موئی از خرس بکنی غنمیت است. کار کودکان میدانی است که می شود از بازار سود و سرمایه پس گرفت و به عنوان بخشی از حرمت جامعه به آن بازگرداند. لغو کارمزدی همین امروز ممکن است. چرا عملی نمی شود چون به قدر کافی فشار به سرمایه وارد نمی شود. نیروی کار کودکان مانند نیروی کار کارگران به بازار کار رانده می شود. منتهی مقبول و موجه نیست. سرمایه داری نمی تواند از خودش در مقابل وجدان و تمدن و دستاوردهای جامعه دفاع کند. این را درجه پیشروی مطالبات و دستاوردهای اجتماعی تعیین می کند.

غیر قانونی بودن کار کودک را ولو به ظاهر، نباید دست کم گرفت. این حاصل یک پروسه تاریخی جنگ و درگیری طبقاتی است. سودآوری نیروی کار کارگران کودک برای سرمایه غیر قابل گذشت است.

نیروی کار کم توقع، ساکت، مطیع و محروم از همه حقوق قانونی موجود. از این بهتر برای سرمایه دار ممکن نیست. اما نیروی دیگری در جامعه هست که می خواهد دست سرمایه را از این گنج باد آورده کوتاه کند و مانع شود کودکان به نیروی کار بدل شوند. این را اگر ندیده بگیریم، موقعیت اعتراضی و درجه مطالبات و دستاوردهای تاکتونی را ندیده ایم و در نتیجه از دستش خواهیم داد.

وقتی گفته شود، توقف کار کودکان ممکن نیست! مبارزه هم برای خاتمه دادن به آن متوقف می شود. ممنوعیت آنهم زیر سؤال می رود و بی مورد می شود. عیل رگم هر درجه فشار و محرومیت تحمیلی به جامعه باید با این فشار و محرومیت جنگید و عقبش زد. تسلیم پذیری بخشی از استیصال در برابر هجوم نتیجه می شود. چون نمی توانیم عقبش بزنیم، پس دست از مبارزه با آن برداریم!

به مبارزه مردم با حجاب اسلامی نگاه کنید، تحمیل حجاب پس از سی و شش سال هنوز ممکن نشده است. این را خود جمهوری اسلامی هم اذعان دارد و مدام شکست خود را اعلام می کند.

لغو کار کودکان قطعاً به مراتب بیشتر از لغو حجاب ممکن است. هیچ پشتیبانی و توجیهی ندارد. سرمایه دار و کارفرما نمی تواند بگوید مذهب و دین این را گفته است. دستور الهی است، حتی حکم حکومتی است. هیچ جا وجاهتی ندارد. واقعاً لکه ننگ است. برای همین سرمایه داری مخفی اش می کند و مخفیانه سود آوریش را تأمین می کند. وقتی سرمایه در جایی که اعتراض بالاست دستش کوتاه می شود، نشانه این است که این ممنوعیت جدا از ضرورتش، امکان پذیر هم هست.

ما نره ای از حکم توقف فوری و بیدرنگ کار کودکان نباید کوتاه بیائیم. هیچ سازشی در کار نیست. کار کودکان غیرقانونی، وحشیانه و غیر انسانی است. به این توحش باید خاتمه داد! همین حالا!

لازم است بار دیگر اهمیت تاریخی این روز را متذکر شد. به ویژه برای ما در این مقطع باید مانند کیفرخواست علیه این توحش و بانیان آن مطرح شود. استثمار کودکان باید جرمی جنائی محسوب شود. با همین روحیه باید مقابل آن ایستاد. کار کودکان، کاری اجباری است که به کودک و خانواده او تحمیل می شود، حتی اگر خود خانواده کودک برایش کاریابی کرده باشند، تأثیری در اصل موضوع ندارد. توقف بیدرنگ کار کودکان، باید شعار تعطیل ناپذیر ما باشد!*

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۲۴ خرداد [جوزا] ۱۳۹۴